

پیش نویس بیانیه «گرایش کمونیسم شورایی»

« کمونیست‌ها حزب جداگانه‌ای را در مقابل سایر احزاب کارگری تشکیل نمی‌دهند. آنها منافع جدا و مجزا از منافع مجموعه کارگران ندارند. آنها اصول فرقه گرایانه‌ای مطرح نمی‌کنند که بخواهند بر اساس آن جنبش پرولتری را شکل دهند و به قالب [مورد نظر خود] درآورند. وجه تمایز کمونیست‌ها از سایر احزاب کارگری فقط در آن است که:

۱) در مبارزات ملی پرولترهای کشورهای گوناگون منافع مشترک تمام پرولتاریا را، که مستقل از ملیت می‌باشد متذکر می‌شوند و در راس امور قرار می‌دهند.

۲) در مراحل گوناگون تحولاتی که مبارزه طبقه کارگر با بورژوازی باید از آن عبور کند، همواره و همه‌جا منافع کل جنبش را نمایندگی می‌کنند.

هدف فوری کمونیست‌ها همان هدفی است که تمام احزاب پرولتری در پی آن هستند: تشکیل پرولتاریا به صورت طبقه، برانداختن سلطه بورژوازی، تصرف قدرت سیاسی به دست پرولتاریا» (مانیفست کمونیست)

مقدمه:

کمونیسم شورایی گرایشی درون جنبش کارگری است و سازمان و تشکیلات ویژه‌ای در خارج این جنبش ندارد. گرایش کمونیسم شورایی در هر شرایطی آگاه‌گری، تبلیغ و ترویج سبک کار، سنت‌ها و سازماندهی شورایی را در جنبش کارگری و نیز در سایر جنبش‌های اجتماعی وظیفه‌ی اصلی خود قرار می‌دهد و از ایجاد هرگونه تشکل مستقل با رویکرد اعمال اراده مستقیم کارکنان و تشکیل‌دهندگان آن‌ها پشتیبانی می‌کند. فعالین گرایش کمونیسم شورایی در هر یک از واحدهای تولیدی، خدماتی، محلات، مراکز آموزشی و فرهنگی و غیره، جمع‌های خودمختار محسوب می‌گردند و در چارچوب رهنمودهای عمومی گرایش کمونیسم شورایی به تناسب محیط کار و زیست خود عمل می‌کنند.

در متن پیشنهادی زیر محورهای اصلی گرایش در زمینه سبک کار، دیدگاه و سمت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی آن بیان شده است. این محورها فقط جنبه‌های مهم گرایش را در بر می‌گیرد و انتظار می‌رود در جریان برخوردهای نظری و پراتیکی این محورها از کمیت و کیفیت عالی‌تری برخوردار خواهد شد.

نقد و اصلاح این متن به معنای پذیرش کلی و جزئی آن نخواهد بود و صرفاً به عنوان یک وظیفه انقلابی و کمونیستی تلقی می‌گردد.

پذیرش کلی یا جزئی این متن در حال حاضر هیچ‌گونه مسئولیت و الزام عملی برای کار مشترک و ورود به یک تشکیلات و یا تلاش برای ایجاد سازمان معینی ایجاد نمی‌کند. گرایش کمونیسم شورایی در حال حاضر هیچ‌گونه ساختار تشکیلاتی ندارد

هرگونه تصمیم‌گیری درباره‌ی ملاحظات بالا بنا به خصلت و کار ویژه‌ی گرایش، صرفاً به طور شورایی و در جریان گفتگوهای آینده خواهد بود.

خطوط تاکتیکی و استراتژیکی:

ما کمونیست‌های شورایی بر این باور هستیم که شوراها، عالی‌ترین ارگان رهبری‌کننده، تشکیل‌یابی و مبارزه‌ی توده‌های کارگر و زحمتکش در قبل و در طول دوره‌ی انقلابی و بعد از انقلاب‌های دموکراتیک-سوسیالیستی در جامعه‌ی طبقاتی است.

ما کمونیست‌های شورایی، خودرا جزء اردوی بزرگ کار و زحمت و همدوش مبارزان و فعالان جنبش‌های کارگری و اجتماعی می‌دانیم و برای برپایی حاکمیت شوراها‌ی کارگران و زحمتکشان مبارزه می‌کنیم.

گرایش کمونیسم شورایی خود را به عنوان یکی از گردان‌های جنبش شورایی می‌داند و می‌کوشد با گرایش‌های دیگری که به رهایی کارگران به عنوان وظیفه بلافصل و تعطیل ناپذیر خود کارگران می‌نگرد همراهی و همبستگی داشته باشد: گرایش‌هایی همچون سوسیالیسم لیبرترین، کنترل کارگری، لغو کار مزدی، آنارکو سندیکیالیسم، و در مفهوم کلی سوسیالیسم از پایین هر یک با جنبه‌هایی از گرایش کمونیسم شورایی همسو می‌باشد.

هدف فوری و بلاواسطه‌ی ما حاکمیت شوراها‌ی کارگران و زحمتکشان به عنوان بدیل انقلابی برای شکستن مرزها و چارچوب‌های شیوه‌ی تولید و نظم سرمایه داری و گذار به جامعه‌ی سوسیالیستی می‌باشد. ارگان سراسری شوراها عالی‌ترین ارگان سیاسی و طبقاتی تولیدکنندگان مستقیم جامعه است. ملزومات این فرآیند از درون مبارزه‌ی طبقاتی توده‌های کارگران و زحمتکشان ایران پدید می‌آید و بر چشم انداز رادیکال و انقلابی و عمل مستقیم آنان پافشاری می‌نماید. ما بر این باور هستیم که کارگران تنها از طریق برپایی شوراها‌ی کارگری، می‌توانند به صورت یک طبقه‌ی انقلابی در عرصه‌ی اجتماع و مبارزه طبقاتی برای سرنگونی بورژوازی متشکل گردند.

«گرایش کمونیسم شورایی» بر خطوط تاکتیکی و استراتژیکی زیر استوار است:

۱. شوراها:

شوراها همواره در جنبش‌های مردمی، آزادی خواهانه و رهایی‌بخش، طبیعی‌ترین، در دسترس‌ترین، دموکراتیک‌ترین و رادیکال‌ترین شکل اتحاد و عمل مشترک توده‌های مردم، کارگران و زحمتکشان بوده است. بنابراین شوراها در تحول انقلابی جامعه‌ی بورژوایی در پیش از انقلاب، در طول برآمد و دوره انقلابی و سرنگونی بورژوازی و همچنین در دوران پس از انقلاب به عنوان پایه‌های اصلی حاکمیت و دولت شورایی محسوب می‌گردند.

شوراها محصول مستقیم جنبش‌های خودانگیخته در میان طبقات کارگر و زحمتکش می‌باشند. شوراها زمانی شکل می‌گیرند که اشکال سنتی، مرسوم و رسمی از قبیل حزب، اتحادیه، سندیکا و مانند آن وجود نداشته باشند و یا در صورت وجود عملاً در خدمت سازوکارهای بورژوایی

و رفرمیستی در آمده باشند و نقش آنها به چانه زنی و میانجی‌گری میان کارفرما و کارگران و سازش طبقاتی محدود شده باشد؛ و یا در شرایطی که اساساً اعتراض و اعتصاب از سوی حاکمیت غیرقانونی و ممنوع محسوب می‌گردند.

شوراها تنها در شرایط و وضعیتی که بحران سیاسی به قدرت دوگانه تحول یافته، می‌توانند رشد کنند و به پیش روند و متقابلاً پدیده‌ی قدرت دوگانه، خود در شرایط رشد و پیشروی شوراها پدیدار می‌گردد. بنابراین هرگاه پیدایش و شکل‌گیری و رشد و پیشروی شوراها به طور گسترده و پرشتاب در دوره‌ی بحران سیاسی جامعه و برآمد انقلابی و گسترش مبارزات تعیین‌کننده و سخت و عمیق‌تر شدن جنگ طبقاتی پدید آید، آن گاه لحظه‌ای است که نیروهای انقلاب بایستی با شعار همه‌ی قدرت به دست شوراها و نیست باد حاکمیت رژیم ضدانقلاب، به پیشباز یکسره کردن کار انقلاب بروند.

۲. جنبش‌های خودانگیخته همچون بستر واقعی مبارزه‌ی طبقاتی:

جنبش‌های خودانگیخته و خودجوش پایه‌های اصلی و بستر واقعی مبارزه‌ی طبقاتی کارگران و سایر طبقات و گروه‌های اجتماعی تحت استثمار و ستم، علیه اقلیت‌های استثمارگر و نظم کهن می‌باشند. هر تحول انقلابی و از جمله انقلاب اجتماعی محصول مستقیم سیر تحولی، پیش‌رونده و خودآگاه این جنبش‌ها است. سازمان، رهبری، سمت و سو و چشم‌انداز مبارزه‌ی طبقاتی و طبقات درگیر در آن، به طور کلی محصول و نتیجه‌ی همین جنبش‌های خودانگیخته می‌باشد. «گرایش کمونیسم شورایی» با درک و تاکید بر این واقعیت، می‌کوشد با شناخت ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و آمادگی‌های این جنبش‌ها، سوسیالیسم و کمونیسم را از پوسته‌های ایدئولوژیک و دور از دسترس جدا ساخته و آن را به امر رهایی کارگران و زحمتکش‌ان پیوند زند.

۳. رهایی طبقه کارگر امر خود کارگران است:

باور عمیق به اینکه رهایی کارگران امر بی‌واسطه و مستقیم خود کارگران است؛ که بر اساس مبارزه‌ی طبقاتی به پیش برده می‌شود؛ این نتیجه منطقی را به دنبال دارد که ساختار رهبری این مبارزه از دل همین مبارزات ساخته می‌شود و بر عاملیت و فعلیت بلاواسطه‌ی عناصر کارگری و عناصر واقعی جنبش‌های اجتماعی استوار است. کاربرد این اصل پایه‌ای در امر سازمان‌دهی مبارزه‌ی طبقاتی به معنای نفی مقوله‌ی «جان‌شینی» و «نماینده‌ی» و «رهبری» است که موجبات شکل‌گیری سلطه‌ی گفتمان و پدیده‌ی «تک حزبی» در انترناسیونال دوم و سوم و «کمونیسم روسی» در کل «سوسیالیسم اردوگاهی» قرن بیستم گردید. وظیفه و نقش احزاب کارگری این نیست که به نمایندگی از طبقه‌ی کارگر اعمال قدرت بکنند. اعمال قدرت تنها وظیفه‌ی شوراها و کارگری و سایر سازمان‌های توده‌ای است.

مساله رهبری جنبش سیاسی طبقه کارگر از مهم‌ترین مواردی است که پای حزب سیاسی را به میان می‌کشد. اگر مقوله‌ی رهبری در توان و ظرفیت انحصاری حزب است؛ پس هژمونی -فرماندهی- در صورت پیروزی جنبش کارگری نیز کماکان در انحصار و در دست های حزب متمرکز خواهد شد و یا باید باشد. در تاریخ سوسیالیسم قرن بیستم نیز عملاً و تحقیقاً همین حقیقت به وقوع پیوست. نتیجه عملی و سیاسی این حقیقت نیز کاملاً آشکار و بدیهی است: حاکمیت موسوم و منسوب به کارگران نیز کاملاً در چنگال حزب و کمیته مرکزی و دستگاه حزبی قرار خواهد گرفت و کلیه نهادهای کارگری و از جمله شوراهای کارگری تحت سلطه و منویات حزب در قدرت، حزب حاکم، قرار خواهد داشت. اگر یک حزب باشد به استبداد سیاسی در می‌غلطد و اگر چندین حزب مجاز به فعالیت باشند در بهترین حالت نوعی لیبرال دموکراسی مستقر خواهد شد؛ امری که هرگز در حیات سیاسی اردوگاه به وقوع نپیوست. اما در هر حال این کارگران هستند که محکوم و تحت استثمار باقی خواهند ماند؛ هرچند دولت و حکومت به نام طبقه کارگر و شورا و خلق بر اریکه‌ی قدرت لمیده باشد.

۴. تشکلهای سیاسی و اقتصادی:

گرایش کمونیسم شورایی کلیه اشکال و ابزارهای میانجی مبارزه‌ی توده‌ها همچون حزب سیاسی، سندیکا، اتحادیه، انجمن، کمیته‌ی کارخانه، کمیته‌ی اعتصاب و مانند آنها را به عنوان ساختارهای یاری رسان در جنبش طبقاتی می‌شناسد و تلاش برای به کارگیری روش‌ها و عامل‌های فعالیت شورایی و ترویج سبک کار شورایی در این ساختارها را وظیفه‌ی خود می‌داند. این تشکلهای تا آنجا که بر عناصر کارگری و عناصر واقعی جامعه متکی است و فعالان و عاملان آن از داخل این جامعه‌ها تأمین می‌شود به عنوان تشکلهای اصیل کارگری و توده‌ای به حساب می‌آیند. در عین حال همه‌ی این نهادها و ساختارها در راستای نیرومندی و پویایی جنبش شورایی و ساختارمندی این جنبش به کار می‌آیند. کنش‌گری آن‌ها در بستر برپایی و پیش‌روی بدیل کارگری در متن جنبش انقلابی توده‌های کارگر و زحمتکش حائز اهمیت هستند.

۵. حزب پیشتاز کارگری

احزاب سیاسی و نیز حزب پیشتاز کارگری موسوم به حزب کمونیست عموماً از بیرون طبقه‌ی کارگر و توسط روشنفکران بر اساس یک برنامه شکل می‌گیرند و می‌کوشند اعضای خود را از میان مبارزان طبقات اجتماعی برگزینند و جذب کنند. احزاب کارگری و کمونیست و سوسیالیست و غیره که به این شکل به وجود می‌آیند معمولاً تا پایان عمر خود کماکان دارای ساخت و بافت روشنفکری خواهند بود و کارگران فقط به عنوان رای دهنده و سیاهی لشکر در این احزاب حضور پیدا می‌کنند. وقتی که مارکس و انگلس در مانیفست کمونیست می‌گویند: «کمونیست‌ها حزب جداگانه‌ای را در مقابل سایر احزاب کارگری تشکیل نمی‌دهند. آنها منافع جدا و مجزا از منافع مجموعه کارگران ندارند. آنها اصول فرقه

گرایانه‌ای مطرح نمی‌کنند که بخواهند بر اساس آن جنبش پرولتری را شکل دهند و به قالب [مورد نظر خود] درآورند؛ در این زمانه برای ما مبهم و ناروشن است زیرا اصولاً حزب کارگری سراغ نداریم که کارگران به وجود آورده باشند و تمام اعضای آن یا نزدیک به تمام اعضا کارگر باشند مانند جنبش چارتیستی در انگلستان نیمه اول قرن ۱۹. امری که احتمالاً مانیفست این جنبش و اشکال سیاسی-اقتصادی دیگری که در میان کارگران مهاجر در فرانسه مشاهده کرده بودند در نظر داشته‌اند.

اگر بخواهیم سخن مانیفست را در این زمانه به کار گیریم و ما فعالین جنبش شورایی دقیقاً آن را به کار می‌گیریم با این پرسش مواجه می‌شویم پرسش اینجاست:

اگر بنا به تعریف احزاب کمونیستی قرار است از پیشروان طبقه در میان جنبش کارگری تشکیل شوند تا هم‌دوش روشن‌فکران و انقلابیون حرفه‌ای و یا عناصر غیرکارگری دیگر در یک حزب به مبارزه‌ی سیاسی بپردازند چرا این پیشروان کارگری در داخل طبقه‌ی خود و در چارچوب شوراها - مخفی، نیمه‌مخفی و یا علنی- نمی‌توانند متشکل شوند و دوش به دوش همکاران خود به امر سازمان‌یابی، آگاه‌گری و تبلیغ و ترویج ایده‌های سوسیالیستی بپردازند؟

پاسخ ما می‌تواند این باشد که در پشت ایده‌ی احزاب کمونیست و سوسیالیست قرن بیستم که تمام انترناسیونال یک و دو و سه را به خود اختصاص دادند چیزی جز نخبه‌گرایی طبقه‌ی متوسط و اشرافیت کارگری و الیت روشن‌فکری که از ستم و فشار بورژوازی به تنگ آمده بودند نیست. خود ایده‌ی حزب که مارکس در دهه آخر عمر خود به آن اشاره می‌کند، تحت تاثیر شکل‌گیری احزاب و دسته‌جات متعدد بورژوازی در اروپا و ضرورت ایجاد صف مستقل کارگری در برابر آنهاست. شکل‌گیری حزب سوسیال دموکرات آلمان استنتاج از این رویکرد و در شرایط تاریخی آن دوران است.

۶. نفی حزب واحد کمونیستی و ضرورت تعدد احزاب کارگری:

«گرایش کمونیسم شورایی» اعتقادی به حزب واحد کمونیستی که خود را به عنوان رهبر و جانشین یگانه‌ی فعلیت و عاملیت کارگران در نظر می‌گیرد ندارد. حزب واحد را امری نامطلوب می‌داند و بر تعدد احزاب کارگری تاکید می‌ورزد. از این رو «جانشین‌گرایی» و «نمایندگی» توسط احزاب نام برده در این گرایش جایی ندارد و به رسمیت شناخته نمی‌شود. احزاب کارگری همواره باید تابع اراده و کنترل شوراها‌ی کارگری باشند. وظیفه و کارکرد اصلی و دائمی احزاب و سازمان‌های سیاسی کارگری عبارت است از یک نقش رادیکال و انتقادی، درون نهادها و سازمان‌های شورایی و توده‌ای است.

۷. جبهه متحد سوسیالیستی:

تعدد احزاب کارگری و تلاش برای همسویی، همراهی و یاری‌رسانی به جنبش انقلابی کارگران و زحمتکش‌شان، همکاری و همبستگی و اتحاد عملی این احزاب را به ضرورتی آگاهانه و الزامی و

ناگزیر تبدیل می‌سازد. «جبهه‌ی متحد سوسیالیستی» در قالب یک تا چند بلوک بندی سیاسی در تمام دوره‌های مبارزه‌ی طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری و بورژوازی و پیش‌روی به سوی سوسیالیسم، مناسب‌ترین، هموارترین، سازنده‌ترین و موثرترین شکل عمل سیاسی این احزاب می‌باشد.

۸. تشکیلات و مناسبات داخلی «گرایش کمونیسم شورایی»:

سازماندهی، روند تصمیم‌گیری، اداره‌ی تشکیلاتی و چرخش فعالیت‌های جمعی، به صورت افقی و دوره‌ای است و بر هسته‌ها و سلول‌ها و واحدهای با حقوق برابر استوار است. بنابراین تشکیلات بر اساس مناسبات افقی و شبکه وار و خودمختاری این واحدها و سلولها می‌باشد. «شورای هم‌هنگی» که از رابطان همه‌ی شوراهای منطقه‌ای تشکیل می‌شود به طور دوره‌ای و کوتاه مدت - حداکثر ۶ ماهه- امر هم‌هنگی و اداره‌ی فعالیت‌های مصوب در «شورای عمومی» که به طوردوره ای شش ماهه یا یک ساله تشکیل می‌شود، را تامین می‌سازد. سایر واحدهای کاربردی همچون: روابط عمومی، تبلیغات، تدارکات، مالی، بین الملل و غیره نیز توسط «شورای عمومی» بر گمارده می‌شوند. عزل و نصب در همه سطوح و واحدهای گرایش توسط واحدهای پایه تامین می‌شود و نیازی به انتخابات زمان‌بندی شده ندارد «سانترالیسم دموکراتیک» در کار آرایش فعالین و عاملان «گرایش کمونیسم شورایی» کاربردی ندارد.

«گرایش کمونیسم شورایی»

۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰ / اول مرداد ۱۳۹۹

نظرات، پیشنهادها و انتقادهای خود را به نشانی زیر بفرستید:

shoura1398@gmail.com

برای ارسال پیام‌های فوری و ساده‌تر موقتاً از گروه تلگرامی شورا شورا به نشانی زیر بهره

بگیرید:

<https://t.me/shourashoura>

برای آشنایی بیشتر با پشتوانه‌های نظری، تاریخی و انتقادی کمونیسم شورایی به سایت شوراها

به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<http://www.shoraha.net/>

سایر نشانه‌های رسانه‌ای در دسترس به قرار زیر است:

کانال تلگرام

<https://t.me/shoura>

فیس بوک

<https://m.facebook.com/shoura.۹۸۸>

تویتر

[@Shouraha۱](#)

هر هفته روزهای سه شنبه از ساعت ۱۹:۰۰ تا ۲۲:۰۰ به وقت اروپای مرکزی در اتاق «گرایش کمونیسم شورایی» و یا اتاق «آزادی برابری اداره شورایی» گفتگو با فعالان سیاسی جریان دارد.

نشانی‌ها برای در دسترس قرار دادن و تامین شرایط مناسب برای گفتگو با طیف‌های متفاوت می‌باشد. شما را به حضور در این فضاها دعوت می‌کنیم.